

The Effect of Attitude to The World in Building a Civilization From Perspective of Quran

Mohammad HosainDaneshkia *

Received: 2020/07/24

Accepted: 2020/10/05

Abstract

Man moves in the context of history based on his kind of attitude and chooses his path; Therefore, the type of human attitude to the world is important in building civilization. This article tries to explore the effect of worldview on the construction of civilization from the perspective of the Quran by descriptive-analytical method and Quranic. The findings indicate that from the Qur'anic point of view, there are three general views of the world, which can be titled such as the secular attitude and the afterlife 'The worldly seekers of the Hereafter (or strife or indifference)' worldly seekers and afterlife. If human beings believe in any of these three and place themselves in the orbit of their realization, there will be three different worlds or civilized worlds. The first attitude, if fully committed to it, can not build any civilization, But the other two attitudes are able to build two civilizations, one establishing a satanic civilization and the other a monotheistic civilization in the form of multiple existence.

Keywords: Civilization World, Attitude to the World, Attitude to the Hereafter, Monotheistic Civilization, Satanic Civilization.

* Phd In Teaching Islamic History And Civilization, Group Of The History Of Islamic Civilization And Culture, Maaref University, Qom, I.R.Iran
Mkia1988@gmail.com

تأثیر نگرش به دنیا در ساخت تمدن از منظر قرآن

محمد حسین دانشکیا *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

چکیده

انسان بر اساس نوع نگرش خود، در بستر تاریخ حرکت می‌کند و مسیر خود را اسباب می‌نماید؛ لذا نوع نگرش انسان به دنیا، در ساخت تمدن اهمیت دارد. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی قرآنی درصدد است تا تأثیر نگرش به دنیا را در ساخت تمدن از منظر قرآن مورد کنکاش قرار دهد. یافته‌ها، حکایت از آن دارند که از منظر قرآن، سه نگرش کلی به دنیا وجود دارد: نگرش دنیاگریزِ آخرت‌طلب، دنیاطلبِ آخرت‌گریز و دنیادارِ آخرت‌گرا. در صورت باور به هر یک از این سه نگرش، در مرحله عمل، سه دنیای متفاوت، اما دو جهان تمدنی مغایر، شکل می‌گیرند. نگرش اول یعنی نگرش دنیاگریزِ آخرت‌طلب، توان ساخت هیچ تمدنی را ندارد؛ از این رو از موضوع جهان تمدنی خارج است؛ اما دو نگرش دیگر، قادر به ساخت تمدن‌اند. یکی ابلیسی و دیگری توحیدی که هر کدام به صورت وجودی مشکک، قابلیت استقرار دارند.

واژگان کلیدی: جهان تمدنی، نگرش به دنیا، نگرش به آخرت، تمدن توحیدی، تمدن ابلیسی.

* دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، جمهوری اسلامی ایران، (نویسنده

مستول).

مقدمه

از نظر بسیاری از تمدن‌پژوهان، تمدن، فقط جلوه‌ی دنیایی دارد. در بستر دنیا متولد می‌شود، می‌بالد، پیر می‌شود و گاه می‌میرد. تمدن، تغییراتی را در ظاهر دنیای انسان‌ها ایجاد می‌کند؛ از این رو روا است که گفته شود تمدن امری دنیایی است یا حداقل امری دنیایی نیز می‌باشد! تأثیر نگرش انسان به دنیا در ساخت تمدن، با اوصافی که گفته شد، بدیهی به نظر می‌رسد و نیازی به استدلال ندارد. انسان تلاش می‌کند دنیا را آن‌گونه که می‌خواهد، بسازد؛ از این رو رویکرد او به دنیا، عاملی اساسی است در نوع ساخت آن دنیا. برای مثال، دنیای کسی که دنیا را فقط محملی برای انتقال به آخرت ببیند، با دنیا انسانی که دنیا را آخرین ایستگاه تاریخ می‌داند، تفاوت بسیار دارد.

علمای اخلاق و حکمای مسلمان، درباره‌ی رویکردهای مختلف به دنیا، فرمایشاتی داشته‌اند و بحث‌های مفیدی ارائه کرده‌اند؛ اما به این زاویه که نگرش انسان به دنیا چه تأثیری در جهان تمدنی او می‌تواند داشته باشد، کمتر توجه کرده‌اند. و این همان رویکردی است که این نوشتار درصدد بررسی آن، از منظر قرآن است. به نظر می‌رسد بی‌توجهی به این ارتباط، مسلمانان را در برزخی میان دنیاگریزی و دنیاطلبی قرار داده است و کمتر به حد وسط رویکرد به دنیا توجه کرده‌اند. رویکردی که البته لوازم خاص خود را دارد. مقصود رویکرد دنیاداری به قصد آخرت‌گرایی است.

در مراجعه به قرآن از روش توصیفی - تحلیلی با رویکردی قرآنی بهره گرفته می‌شود. مقصود از رویکرد در این نوشتار، نظرگاه یا منظر یا زاویه‌ای است که از آن زاویه به مسئله نگاه شده و درباره‌اش پژوهش می‌شود؛ از این رو با اتخاذ چنین رویکردی در این پژوهش به دنبال بررسی تحلیلی تأثیر نگرش به دنیا در ایجاد یک تمدن از منظر قرآن خواهیم بود. در ادامه، ضمن بررسی این مسئله، به تفاوت جهان‌های تمدنی برخاسته از رویکردهای مختلف به دنیا می‌پردازیم و به نمونه‌هایی از نمادهای اختصاصی هر یک از دو تمدن و مسیر حرکت به تمدن توحیدی اشاره خواهیم کرد.

۱. پیشینه تحقیق

در کتب اخلاقی مانند محجة البیضا، که شرح احیاء العلوم غزالی از سوی مرحوم فیض کاشانی است در جلد ششم، کتاب ذم الدنیا (فیض کاشانی، بی تا، ج ۶، ص ۱) و نیز در چهل حدیث امام خمینی در حدیث ششم (خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸) و در بسیاری از کتب اخلاقی دیگر، به بحث رویکرد انسان به دنیا پرداخته شده است؛ اما موضوع تأثیر نگرش انسان به دنیا در ساخت تمدن خصوصاً از منظر قرآن، کمتر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. مقاله "تعطیل کردن دنیا: نگاهی به رابطه زهد اسلامی با کسب و کار اقتصادی (مروری بر کتاب الحث علی الصناعات و التجارة و العمل)" از رسول جعفریان (۱۳۹۹/۵/۲۹) در معرفی کتاب یاد شده به نگرش‌های مختلفی که در دوره‌هایی از تاریخ اسلام از قرآن و روایات نسبت به دنیا وجود داشته اشاره کرده است و تأثیر آن را در کسب و کار مورد جستجو قرار داده است، اما به تأثیر نگرش به دنیا در ساخت تمدن از منظر قرآن که موضوع مقاله حاضر است نپرداخته است. مقاله "مقایسه سنن اجتماعی تمدن‌ساز انبیاء و طاغوتیان از دیدگاه قرآن" از دیگر مقالاتی است که به نوعی می‌تواند پیشینه‌ای عام برای مقاله حاضر به شمار آید (سقای بی ریا، ۱۳۹۹، ص ۲۲۳ به بعد). این مقاله به شکل عام، سنن اجتماعی تمدن‌ساز ناظر به انبیاء و طاغوتیان را مورد بررسی قرار می‌دهد. بدیهی است پس از مشخص شدن تمدن‌های منبعث از نگرش‌های مختلف به دنیا از منظر قرآنی که در مقاله حاضر قرار بر بررسی آن است نوبت به سنن و قوانین حاکم بر تمدن‌های یادشده می‌رسد. به عبارتی این مقاله از نظر موضوع مقدم بر مقاله فوق‌الذکر (سنن اجتماعی تمدن‌ساز..) است. تمدنی که انبیاء به دنبال استقرار آن بودند همان تمدن دنیا دار آخرت طلب است و تمدن طاغوتیان تمدن دنیا طلبان آخرت‌گریز. مقاله "علل ضعف تمدنی و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر" از شریف لک زایی را نیز می‌توان از مقالات مرتبط با موضوع این نوشتار دانست (۱۳۹۸، ص ۳۱۱). نویسنده در آن مقاله از منظر امام موسی صدر، دو علت ضعف احساس مسئولیت و انحراف از ارزش‌های اسلامی را از

عوامل انحطاط و عقب ماندگی تمدنی جوامع اسلامی می‌شمارد و اضافه می‌کند: "انسان مسلمانی که دنیای آباد نداشته باشد مسلماً آخرت آبادی نیز نخواهد داشت بنابر این دنیای آباد داشتن مقدمه آخرت آباد است." اما مقاله به بررسی علل نگرشی که منجر به رفتار تنبلی و بی‌کاری و بی‌مسئولیتی در قبال اجتماع است نمی‌پردازد، خصوصاً تأثیر نگرش‌های به دنیا در ساخت تمدن را نیز مورد بررسی قرار نمی‌دهد و همین وجه تمایز پژوهش‌های یاد شده با نوشتار پیش روست.

۲. ملاحظات نظری

در این نوشتار، دو پیش‌فرض وجود دارد. یکی، در تعریف تمدن می‌باشد و دیگری، در اجزای تمدن. تعاریف متعددی درباره تمدن از سوی صاحب‌نظران در کتب مفصل ارائه شده است؛ از این رو تعرض به آن‌ها در اینجا ضرورتی ندارد؛ لذا صرفاً به تعریف مدنظر در این مقاله اشاره می‌شود. در این نوشتار، تمدن عبارت است از:

سطحی از اجتماع (جامعه) دولتمند که در راستای سعادت بشر، فرهنگ تمدنی در آن به فعلیت رسیده و نظامات موردنیاز خود را بر اساس آن، سامان بخشیده داده‌اند. توضیح اینکه هر ملت و امتی به دنبال سعادت است و هر یک بر اساس نگرش‌ها و ارزش‌های خود، تصور و تعریفی از سعادت دارند؛ از این رو خروجی تمدن‌ها با یکدیگر تفاوت ماهوی پیدا می‌کنند. دولتمندی جامعه نیز در پدیداری و استمرار تمدن، بسیار مهم است؛ زیرا دولت است که می‌تواند گام‌های اساسی و ماندگاری را برای استقرار فرهنگ تمدنی و تمدن در سطح جامعه بردارد. بدون دولت، شاید جامعه بتواند به بخشی از فرهنگ تمدنی دست یابد؛ اما استقرار نظامات تمدنی نیازمند اعمال قدرت و حاکمیت است که جز از طریق دولت امکان‌پذیر نیست؛ البته در جوامع بسیط، دولت‌ها بسیط و در جوامع پیچیده، دولت‌ها نیز از پیچیدگی برخوردار می‌شوند؛ اما اصل وجود دولت در بطن تمدن، شرط لازم است، نه کافی.

مقصود از "فرهنگ تمدنی" آن دسته از فرهنگ‌هایی است که در تشکیل، پیدایش، استقرار،

پایایی، دوام و جلوگیری از رکود، انحطاط و مرگ تمدنی، نقشی اساسی دارند. هر اجتماعی، لاجرم از فرهنگ برخوردار است؛ اما ایجاد تمدن نیازمند فرهنگ خاصی است. فرهنگ نظم، احترام به حقوق متقابل انسانی، کار و تلاش و مجاهدت مداوم و خستگی‌ناپذیری، علم‌دوستی، امید به پیروزی در همه شرایط، انضباط، اعتماد به نفس و اعتزاز ملی (احساس عزت‌داشتن از اینکه ملیت یا دین خاصی دارند)، قانون‌پذیری، غیرت ملی و امثال آن^۱ در زمره فرهنگ تمدنی تعریف می‌شوند. مقصود از «نظام» در این تعریف، تشکیلاتی است منسجم و هماهنگ و مرتبط با یکدیگر در عرصه‌های مختلف که متناسب با سعادت متصوره و نگرش‌ها و ارزش‌ها، سامان می‌یابد.

پیش‌فرض دوم درباره اجزای نظام‌هاست. هر نظامی، علاوه بر برخورداری از سیاست‌ها و اهداف هم‌سو با کلان‌تمدن، از چهار رکن برخوردار می‌باشد:

- ساختار متناسب (تشکیلات)

- منابع نیروی انسانی

- قوانین و مقررات

- ارتباط سازمانی

که در علم مدیریت شرح هر یک، مذکور است.

۳. سه نگرش به دنیا و سه جهان تمدنی

به نظر می‌رسد از منظر قرآن، انسان می‌تواند سه نگرش عمده به دنیا و آخرت داشته باشد:

أ. نگاه استقلالی به آخرت و بی‌اعتنایی به دنیا (دنیاگریز یا دنیاستیز آخرت‌طلب)

^۱ برگرفته از فرمایشات مقام معظم رهبری در بیانات مختلف

ب. نگاه استقلالی به دنیا و بی‌اعتنایی به آخرت (دنیاطلب آخرت‌ستیز یا آخرت‌گریز یا بی‌اعتنا به آن)

ت. نگاه آلی به دنیا و استقلالی به آخرت (دنیا‌دار آخرت‌گرا)

در هریک از نگرش‌ها، دامنه بی‌اعتنایی به دنیا تا دنیا‌گریزی و بی‌اعتنایی به آخرت تا آخرت‌ستیزی، طیفی را تشکیل می‌دهند. هر دنیایی، دنیا‌های متعددی را در بردارد؛ یعنی تمدن مشکک؛ نظیر «وجود» که شدت و ضعف دارد. دست‌یابی هرکدام از دو نگرش اخیر به تمدنی در دنیا، مطابق سنت امداد است:

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم؛ اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد (شوری/۲۰)

در ادامه هر یک از این دیدگاه‌ها از منظر قرآن بررسی خواهند شد:

۱-۳. دنیا‌گریزان آخرت‌طلب

قرآن از گروهی از مردم سخن می‌گوید که آن‌ها را با توجه به نوع نگرششان، می‌توان دنیا‌گریزان آخرت‌طلب نام نهاد. در کتب اخلاقی، چنین تفکری قابل‌ردیابی است. اینان انتخاب گر رهبانیتی خودساخته‌اند؛ اما چرا خودساخته؟ زیرا خداوند چنین‌گریزی از دنیا را، توصیه نفرموده است:

سپس در پی آنان، رسولان دیگر خود را فرستادیم و بعد از آنان، عیسی‌بن‌مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل کسانی که از او پیروی کردند، رأفت و رحمت قرار دادیم و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم؛ گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود؛ ولی حق آن را رعایت نکردند؛ از این‌رو ما به کسانی از آن‌ها که ایمان آوردند، پاداششان را دادیم و بسیاری از آن‌ها فاسق‌اند! (الحدید/۲۷)

رهبانیت، یعنی ترک لذت‌های دنیوی مانند ازدواج و خوردن گوشت و کناره‌گرفتن از مردم و جامعه و عبادت در دیر و صومعه (مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۳۷۶-۳۷۷ و مؤسسه

دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۹۹). رهبانیت به معنای جدایی و کناره‌گیری از جامعه، در مقابل زهد به معنای رهایی از مادیات دانسته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۴۲، ج ۱۸، ص ۸۵).

ملاحظه می‌شود، دنیاگریزی این دسته، به جامعه‌گریزی نیز ختم شده است؛ لذا راهبان به‌عنوان گروهی که مبادرت به تأسیس چنین اندیشه‌ای کرده‌اند، در دیرها و دور از مردم، ساکن شدند. تأمل در لوازم این نگرش، انسان را از انتظار ساخت تمدن از سوی صاحبان آن، که قطعاً جلوه‌های دنیایی هم دارند، ناامید می‌سازد.

برخی مفسران، با اتکا به آیه ۸۷ سوره مائده، رهبانیت را مصداق حرام کردن مواهب الهی و در نتیجه، مخالف احکام و قوانین اسلام بیان کرده‌اند (هاشمی رفسنجانی و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۲۰۸).

در آیین اسلام، رهبانیت تشریح نشده است؛ زیرا رهبانیت، «جان و جسم» را فرسوده و «نسل و تمدن» را به فنا و نابودی می‌کشاند (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۶۸).

البته مقوله زهد، جدای از رهبانیت است. در اینجا به برخی از مطالبی که مرحوم شهید مطهری درباره تفاوت‌های رهبانیت و زهد فرموده‌اند، بسنده می‌کنیم. از همین فرمایشات، می‌توان تا حدودی تفاوت جهان تفکر دنیاگریز را با جهان تفکر زاهدانه دریافت. دقت شود که پیامدهای مدنظر از این نوشتار، پیامدهای اجتماعی هستند.

«زاهد و راهب، هر دو از تنعم و لذت‌گرایی دوری می‌جویند؛ ولی راهب از جامعه و تعهدات و مسئولیت‌های اجتماعی می‌گریزد و آن‌ها را جزء امور پست و مادی دنیایی می‌شمارد و به صومعه و دیر و دامن کوه پناه می‌برد؛ اما زاهد به جامعه و ملاک‌های آن و ایده‌های آن و مسئولیت‌ها و تعهدهای آن، رو می‌آورد. زاهد و راهب هر دو آخرت‌گرایند؛ اما زاهد «آخرت‌گرای جامعه‌گراست و راهب، آخرت‌گرای جامعه‌گریز». در لذت‌گریزی نیز این دو در یک حد نمی‌باشند. راهب، سلامت و نظافت و قوت و انتخاب همسر و تولید فرزند را تحقیر می‌کند؛ اما زاهد حفظ سلامت و رعایت نظافت و برخورداری از همسر و فرزند را جزء وظیفه می‌شمارد. زاهد و راهب هر دو تارک دنیایند؛ اما دنیایی که زاهد آن را

رها می‌کند، سرگرم شدن به تنعم و تجمل و تمتعات و این امور را کمال مطلوب و نهایت آرزو دانستن است؛ ولی دنیایی که راهب آن را ترک می‌کند، کار، فعالیت، تعهد و مسئولیت اجتماعی است. این است که زهد زاهد برخلاف رهبانیت راهب در متن زندگی و در بطن روابط اجتماعی است و نه تنها با تعهد و مسئولیت اجتماعی و جامعه‌گرایی منافات ندارد؛ بلکه وسیله بسیار مناسبی است برای خوب از عهده مسئولیت‌ها برآمدن. (مطهری، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۵۱۸).

در آیه دیگری (کهف/۱۰۳ - ۱۰۴) هم به نادرستی این رویکرد اشاره شده است. امیرمؤمنان علی (ع) در حدیثی در ذیل آیه «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؟ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (همان)، می‌فرمایند: «یکی از مصادیق بارز آن، رهبان‌ها هستند که خود را در ارتفاعات کوه‌ها و بیابان‌ها محبوس داشتند و گمان کردند کار خوبی انجام می‌دهند.» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۳).

از این روست که راهب، قادر به ساخت تمدن نیست؛ چون رهبانیت با روح مدنی بالطبع بودن آدمی، می‌جنگد و جوامع انسانی را به انحطاط و عقب‌گرد می‌کشاند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲۳، ص ۳۸۹).

رهبانیت، منجر به انحرافات اخلاقی، تبلی، بدبینی، غرور، عجب، خودبرتربینی و مانند این‌ها می‌شود. برخی از نویسندگان مسیحی در این باره گفته‌اند که عده‌ای جهت راحت‌طلبی و به‌خاطر تبلی، رو به دیرها آوردند. افراط در انزوا و گوشه‌نشینی، موجب بروز مشکلات روحی و روانی همچون جنون، ناامیدی و خودکشی شد (البستانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۶۸۸).

ترک ازدواج که از اصول رهبانیت است، نه فقط کمالی نمی‌آفریند؛ بلکه موجب پیدایش عقده‌ها و بیماری‌های روانی نیز می‌شود. در دائرةالمعارف قرن بیستم آمده است: «بعضی از رهبان‌ها تا آن اندازه توجه به جنس زن را عملی شیطانی می‌دانستند که حاضر نبودند حیوان ماده‌ای را به خانه ببرند! مبادا روح شیطانی آن به روحانیت آن‌ها صدمه بزند.» (فرید وجدی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۹۸) اما با این حال، تاریخ، فجایع زیادی را از دیرها به خاطر دارد تا آنجا که برخی دیرها، به‌عنوان محل فساد و جایی جهت اجتماع شهوت‌رانا توصیف

شده است (البستانی، بی تا، ص ۲۹۹).

۲-۳. دنیاطلبان آخرت گریز

عده‌ای از مردم، دنیاطلب‌اند. خواه موحد باشند یا ملحد! نقطه مشترک آن‌ها، دنیاطلبی به هر قیمتی است؛ البته قاعداً این دسته از افراد، طیفی را تشکیل می‌دهند که میزان دنیاطلبی یا آخرت‌گریزی آنان با یکدیگر تفاوت دارد. برخی شاید در حد بی‌اعتنایی به آخرت ارزیابی شوند. برخی از سخن‌گفتن درباره آخرت نیز گریزان‌اند. برخی حتی آخرت‌ستیزند؛ البته افراد در دنیاطلبی نیز یکسان نیستند. برخی حاضرند برای طلب دنیا، جانشان یا مالشان یا حتی ناموسشان را به خطر اندازند و برخی چنین نیستند.

۱-۲-۳. بررسی نگرش در آیات قرآنی

قرآن دارندگان نگرش دنیا طلب را چنین توصیف می‌کند:

... فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ (البقره/۲۰۰)

افرادی که از خداوند دنیا را درخواست می‌کنند و انتظاری از خدا برای تأمین آخرت ندارند، به آخرت بی‌اعتنایند؛ لذا می‌توان آنان را موحدان دنیاطلب دانست؛ البته هرچند برخی از آنان از خدا، دنیا را طلب می‌کنند؛ اما در کارهای خود و در رفتارهای خود، خدا را نمی‌جویند و برای رضایت خدا، کاری نمی‌کنند. آنان اغلب خودمحورند؛ یعنی برای منافع خود کار می‌کنند. اگر هم از خدا چیزی می‌خواهند، برای «خود» می‌خواهند.

در کنار آنان افرادی هستند که اظهار می‌کنند:

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (الجاثیه/۲۴)

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (المؤمنون/۳۷)

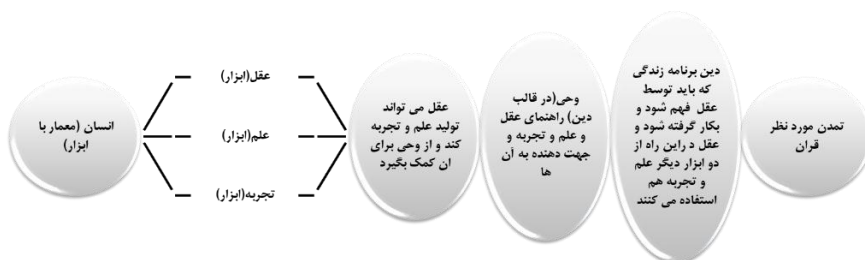
کسانی که فقط جهان مادی اطراف خود را می‌بینند و اعتقادی به مبدأ ذی‌شعور هستی ندارند، قاعداً آخرتی را نیز طلب نمی‌کنند. شاید گفته شود همه ملحدان، لزوماً دنیاطلب هم نیستند. در پاسخ گفته می‌شود که گرچه این احتمال وجود دارد؛ اما اغلب دارندگان چنین نگرشی، دنیاطلب نیز خواهند بود.

قرآن، دلیل رویکرد آنان به دنیا طلبی و اعراض از آخرت طلبی را در وسعت دانش ایشان جستجو می‌کند. به عبارتی، دلیل اینکه غیر از دنیا را طالب نیستند، سطح دانش آنهاست: حال که چنین است، از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن! این آخرین حد آگاهی آنهاست. پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده‌اند، بهتر می‌شناسد و (همچنین) هدایت‌یافتگان را از همه بهتر می‌شناسد! (النجم/۲۹ و ۳۰)

معلومات و حیطة دانش و فهم آنان از جهان، به همین مقدار است. عقلشان بیشتر از این را درک نمی‌کند. «ذَلِك مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ». اینکه چرا علم آنها بیش از این نیست، نیازمند توضیح است.

اصولاً هر فردی دو جنبه زندگی دارد. جنبه فردی و شخصی و جنبه اجتماعی. تذکر این نکته مهم است که نگرش دنیا طلبان در هر دو جنبه زندگی آنان مؤثر است. دنیا طلب، در زندگی شخصی خود بر مدار دست‌یابی به دنیایی بهتر (از نظر خود) است یعنی مطلوبش، بهره‌مندی بیشتر از زندگی است. از نظر اجتماعی نیز چنین است و سعی می‌کند که در زندگی اجتماعی نیز، میزان بهره‌مندی خود را افزایش دهد و دنیای شایسته‌ای (حسب تفکر و علم محدود خود) برای خود و اطرافیانش ایجاد کند. سخن این است که چنین افرادی، در نگاه به جامعه، فقط بُعد دنیایی و مادی آن را در نظر دارند و محدوده علم آنان همین است؛ لذا سعادت انسانی از منظر آنان «منحصر در بعد مادی و دنیایی» است که در صورت تأمین حداکثری منافع و بهره‌مندی‌شان از دنیا، سعادت‌مندی بشری را تأمین شده می‌دانند. (به تعریف تمدن مراجعه شود.)

عدم استفاده از داده‌های وحیانی و اتکا به عقل و تجربه صرف بشری، دامنه و وسعت علم آنان را محدود کرده است؛ در نتیجه، سعادت بشری را نیز محدود در تأمین خواسته‌ای صرفاً دنیایی می‌بینند. تصویر زیر، حکایت‌گر عناصر آگاهی‌بخش است. ملاحظه می‌شود که وحی، راهنمای عقل و علم و تجربه بشری است که فقدان آن، باعث می‌شود این ابزار به بیراهه برود.



نمودار ۱. الگوی راهنمای تمدن قرآنی

۲-۳. نماهایی (شُمایی) از تمدن برخاسته از این نگرش

۱-۲-۳. صرفاً تأمین‌کننده امیال دنیوی بشری

تمدن حاصل از چنین نگرشی، صرفاً تأمین‌کننده حداکثری امیال دنیوی است؛ لذا صورت آن تمدن نیز فقط مظاهر دنیاگرایانه را منعکس می‌سازد. جلوه‌های آخرت‌گرایانه، نسبتی معکوس با میزان دنیاگرایی آنان دارد؛ چنان‌که در برخی وضعیت‌ها، هیچ جلوه‌ای از آخرت‌گرایی در آن دیده نمی‌شود.

فرض این است که اغلب اشخاص ساکن در آن جامعه، اختیارات یا از طریق الزامات اجتماعی یا مانند امروز، تحت دیکتاتوری رسانه‌ای، در مقابل این نگرش، خاضع‌اند و انگیزه‌هایشان، آلوده به آن است؛ لذا جامعه تحت آن نگرش نیز، در همان مسیر حرکت می‌کند. شاید امروز بتوان تمدن غرب را تصویری زنده از این نگرش به دنیا ارزیابی کرد. تمدنی که در غایت خود می‌تواند امیال دنیوی بشری را به صورت حداکثری تأمین کند؛ هرچند چنین ادعایی نیز خالی از تسامح نیست و آنچه دیده می‌شود، تأمین خواسته‌های حداکثری لیبلی از شهروندان و خواسته‌های حداقلی کثیری دیگر به قیمت لگدمال‌شدن خواسته‌ها و امیال اکثریت است.

۲-۲-۳. بیگانه از آورده‌های وحیانی

اشاره شد که قرآن می‌فرماید: دنیاطلبان از یاد خدا اعراض می‌کنند؛ از این رو نسبت به

فرمایشات و حیانی بی تفاوتند. این بی تفاوتی گاهی منجر به انکار خدا می شود. گاهی خدا را دست بسته می خواند. گاهی تغییر شکل داده و در شکلی نو مانند سکولاریسم، خدا را از معادلات زندگی بشر حذف می کند. گاهی هم در قالب روشن فکری مسلمان یا مسلمانی سکولار، ادعا می کند دین، امری شخصی است و خدای متعال، انسان را در امور مربوط به اجتماع، رها کرده و بلا تکلیف گذاشته است؛ به هر حال، آنان خود را از داده های و حیانی بی بهره می کنند و سعادت بشری را با عقل کم فروغ خود ترسیم می نمایند؛ در نتیجه، سعادت خودپندار آنان، محدود به تمتع و بهره مندی از ظواهر دنیا می شود. این امر، استدلال زیادی نمی خواهد. فقط نظر (نگاه همراه با تعمق) به جهان غرب، غایت سعادت خودپندار بشری را نمایان می سازد؛ لذا هرگونه رفتار متمدنانه از سوی آنان، خواه در ساخت نظامات و زیرنظامات تمدنی، اعم از فرهنگی، آموزشی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و وضع قوانین و مقررات، صنعت و تکنولوژی و... همه در مسیر تحقق امیال دنیوی سامان خواهد گرفت.

نکته حائز اهمیت در این نوع تمدن، محروم سازی خود از داده های و حیانی به بهانه های مختلف و حتی تحت مکتب های خودساخته است.

۳-۲-۲-۳. ارتباط با تلبیسات شیطانی

مسیر بی ارتباط با وحی، با شیطان مرتبط می شود. عنصری که فیلسوفان تمدن و نه حکیمان تمدن، همواره از آن غفلت کرده اند؛ چراکه در این نوع نگرش، جایی برای دخالت دادن ماورای ماده در دنیا وجود ندارد و با لطایف الحیل، «ماورای ماده»، ماورای تاریخ و فراتاریخ تصور شده است؛ البته همین نیز از دستاوردهای علمی این نوع نگرش به علوم است. شیطان شناسی ما بسیار محدود است. اغلب، شیطان را موجودی موهوم و مانند «لولو» تصور می کنیم که خدا از آن برای ترساندن انسان ها استفاده می کند. سپاه مرئی و نامرئی او، در محاسبات بشری جایی ندارد. سپاهی که اجازه دارد انسان ها را بفریبد و آن ها را در مسیری غیر از مسیر مستقیم قرار دهد.

هرکدام از آن ها را که می توانی، با صداقت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده ات را بر

آن‌ها گسیل دارا! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن! ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آن‌ها نمی‌دهد. (الإسراء/۶۴)

از این‌رو، اهمیت شناخت عملیات فریب شیطان در شناسایی جهان تمدنی که این گروه از انسان‌ها در صدد پایه‌ریزی آن هستند، خود را بیشتر نشان می‌دهد.

شیطان، شما را (به‌هنگام انفاق) وعده فقر و تهی‌دستی می‌دهد و به فحشا (و زشتی‌ها) امر می‌کند؛ ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فزونی» به شما می‌دهد و خداوند، قدرتش وسیع و (به هرچیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده‌های خود، وفا می‌کند.) (البقره/۲۶۸)

قرآن پر است از ترسیم آنچه شیطان و حزب او در صدد القای آن به بشریت هستند؛ لذا وقتی انسان از دنیای بدون رضایت خدا استقبال می‌کند، ارزش‌های ابلیسی را برگزیده و از این‌رو تمدن ساخته‌شده، پر از باورها، ارزش‌ها، رفتارها و نمادهای ابلیسی می‌شود. اشاره به برخی از این جلوه‌گری‌ها که تمدن رنگین و زینت‌شده ابلیسی را می‌سازد، خالی از لطف نیست. در دو کلمه استفاده‌شده دقت شود: زینت و رنگین. تمدن ابلیسی، رنگ ابلیسی دارد. در مقابل تمدن الهی که رنگ خدایی دارد:

رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟ و ما تنها او را عبادت می‌کنیم. (البقره/۱۳۸)

زینت‌دادن با رنگ‌آمیزی میسر است. شیطان نیز دنیاطلبی را برای انسان زینت می‌دهد؛ لذا تمدن‌های ابلیسی ناشی از نگرش دنیاطلب، رنگین و رنگارنگ‌اند. رنگ‌هایی اغفال‌گرایانه، نه یادآور توحید. در آیات متعددی به این نکته اشاره شده است، نظیر:

زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است؛ از این‌رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می‌کنند؛ در حالی که پرهیزکاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند. (چراکه ارزش‌های حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد و صورت عینی به خود می‌گیرد) و خداوند، هرکس را بخواهد، بدون حساب روزی می‌دهد. (البقره/۲۱۲)

محبت امور مادی، از زنان، فرزندان، اموال هنگفت طلا و نقره، اسب‌های ممتاز، چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است. (تا در پرتوی آن، آزمایش و

تربیت شوند؛ ولی) این‌ها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) هستند؛ و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. (آل عمران/۱۴)

حتی کار به جایی می‌رسد که امور ناپسند هم برای آنان زیبا جلوه می‌کنند: همین گونه شرکای آن‌ها [بتها]، قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند. (کودکان خود را قربانی بت‌ها کرده و افتخار می‌کردند!) سرانجام آن‌ها را به هلاکت افکندند و آیینشان را بر آنان مشتبّه ساختند و اگر خدا می‌خواست، چنین نمی‌کردند. (زیرا می‌توانست جلوی آنان را بگیرد؛ ولی اجبار، سودی ندارد.) بنابراین، آن‌ها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار. (و به آن‌ها اعتنا مکن) (الأنعام/۱۳۷)

تعجب نکنید. کشتن اولاد به زمان‌های قبل و دوران توحش انسان‌ها بر نمی‌گردد. امروزه نیز با قانونی کردن سقط جنین، همین اتفاق در حال رخ‌دادن است (۱). طرف‌داران آن در گذشته برای خدایان دروغین فرزندان خود را می‌کشتند و امروز برای هموارسازی مسیر خوش‌ها، البته با تزیین و موجه‌سازی، با ده‌ها دلیل، نه تنها خود را مجاب به کشتن اولاد می‌کنند؛ بلکه مخالفان خود را به متحجر بودن و ضدزن بودن و ضدپیشرفت‌زن بودن، متهم می‌نمایند. برای نمونه گفته شده است: آنچه مسئله سقط جنین را از حساسیت ویژه‌ای برخوردار می‌سازد، تعارض حق‌های بشری در آن است. این حق‌ها عبارت‌اند از: حق جنین بر حیات و حق زن بر اختیار روش حیات. بدیهی است که تعارض این حق‌ها موجب محدودیت آن‌ها می‌شود! (مشرق‌نیوز، مقاله، تاریخ انتشار: ۱۶ مهر ۱۳۹۳ - ۲۰، ص ۵۷) این گونه توجیهات که بعضاً در قالب‌های علمی ارائه می‌شوند، قالب‌هایی که از ویژگی‌های جاهلیت مدرن‌اند، در همه زمینه‌هایی که نظام‌سازی تمدنی را لازم دارد، به چشم می‌خورند. شیطان، دست‌وپای زنان و مردان را با اغلالی چنین می‌بندد:

همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند. پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند. آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد. اشیاء پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای

سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده، پیروی نمودند، آنان رستگاران‌اند. (الأعراف/۱۵۷)

وقتی آدمی خود را از نور وحی بی‌بهره سازد، مرده‌ای را ماند که در ظلمات، ره می‌سپارد؛ از این رو، شیطان، آنچه را انجام می‌دهد، تزیین می‌کند:

آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟ این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند، تزیین شده (و زیبا جلوه کرده) است. (الأنعام/۱۲۲)

پس مسیر دنیا طلب آخرت‌گریز، مسیری ناهموار است، همان مسیری که انسان‌ها در ادوار مختلف تاریخ آن را طی کرده و نتیجه‌اش را ملاحظه کرده‌اند. تمدن‌هایی با ظاهری زیبا و فریبنده که امروز بعضاً فقط آثاری از آن باقی مانده است.

۴-۲-۳. تهی از معنویت اجتماع‌گرا

از یک نمای، دیگر تمدن اینان خالی از معنویت اجتماع‌گراست و گرفتار بحران معنویت-اند. مگر نه این است که انسان، دو بعد دارد؟ بعدی معنوی و بعدی مادی:

و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته؛ سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است. (الشمس/۸)

لذا بی‌توجهی به یک بُعد، هر بعدی که باشد، نقص است. به اعتقاد برژینسکی:

سکولاریسم عنان‌گسیخته حاکم بر نیمکره غربی، در درون خود، نقطه ویرانی فرهنگی غربی را می‌پرورد؛ از این رو، آنچه ابرقدرتی آمریکا را در معرض زوال قرار می‌دهد، سکولاریسم عنان‌گسیخته غربی است و نه برخورد تمدن‌ها. فساد درونی نظام غربی و رژیم‌های وابسته فاسد، مشروعیت نظام لیبرال‌دموکراسی را از بین می‌برد؛ از جمله دروغ سیاسی حقوق بشر که صرفاً در چارچوب مسائل سیاسی تعریف می‌شود و حقیقت ندارد. حقوق بشر باید به‌تنهایی آرمان «زندگی خوب» و «انسانی» را در نظر آورد. مسائل انسان

کنونی در ورای تضادهای ایدئولوژیک و درگیری‌های کهن زندگی جمعی، جای خود را به مسائلی می‌دهد که بیشتر به ویژگی‌های زندگی خوب و اصالت انسانی مربوط می‌شوند (آودیچ، ۱۳۸۰، ص ۲۵۲).

در این دیدگاه، انسان مدرن در جستجوی حیاتی معنوی و انسانی است که دموکراسی‌های لیبرال، قادر به تأمین آن نیستند. تمدن غفلت و رفاه، قادر به تأمین زندگی خوب نیست. زندگی خوب، نیازمند فضیلت، ارزش، نظم، اخلاق و باورهای معنوی است. به اعتقاد برژینسکی، گسیختگی فرهنگ غربی از درون، به‌مثابه مهم‌ترین عامل سقوط اقتدار غرب، مورد تغافل قرار گرفته است. وی، این علل درونی سقوط غرب را کاری‌تر از علل بیرونی می‌بیند. لذت‌گرایی مادی، مصرف‌گرایی، خوش‌گذرانی، ناپارسایی و ثروت‌اندوزی که نابودگر ساحت معنوی انسان هستند، از علت‌های اساسی و نطفه‌های خودویرانی فرهنگ غرب هستند (مددپور، بی‌تا، صص ۴۱-۴۲).

۵-۲-۳. حاکمیت رقابت حذفی

نمای دیگر این تمدن، رقابت به‌قصد حذف رقیب است. می‌توان تصویری از چنین جامعه‌ای داشت. یکی از بنیان‌گذاران نظام سرمایه‌داری به نام فردریک باستیا می‌گوید: پروردگار توانا، انسان را دارای حس نفع‌طلبی آفریده که هر چیزی را برای خود و فقط برای خود بخواند. نفع شخصی، همان محرک توانای بی‌همتایی است که ما را به پیشرفت و ازدیاد ثروت خود و در عین حال به کوشش برای تحصیل یک وضع انحصاری برمی‌انگیزد (بدن، ۱۳۵۴، ص ۱۹۳). بنابراین، مقصود از رقابت، عبارت است از کوشش هر فعال اقتصادی برای محروم کردن دیگر فعالان اقتصادی و به‌انحصاردرآوردن منافع مادی که هدف موردنظر هر دوی آنان است (بدن، ۱۳۵۴، ص ۱۹۳).

در این فرآیند، کسانی که توان ماندن در بازار را ندارند، ورشکست شده و از گردونه رقابت خارج می‌شوند و فقط شایسته‌ها از جهت میزان سرمایه و قدرت اقتصادی، در عرصه اقتصادی باقی می‌مانند. (schnitzer, 1999, P 26)

چنین رقابتی، محرومیت عده کثیری را در پی دارد و همین امر، توجیه‌گر انباشتگی

ثروت نزد عدهٔ قلیلی در جهان است. به گزارش سایت بنیاد بین‌المللی «آکسفا» (خیریهٔ بین‌المللی)، در سال ۲۰۱۶ میلادی از مجموع ثروت تولیدشده در جهان، ۸۲ درصد آن به جیب یک درصد پول‌دار رفته است. در حالی که وضعیت پنجاه درصد از جمعیت فقیر جهان، بدون تغییر مانده است (۲).

امید است در مجالی دیگر، نماهای بیشتری از تمدن برخاسته از این نگرش، ترسیم شود.

۳-۳) دنیاداران آخرت‌گرا

سومین نگرشی که مورد توجه قرآن قرار گرفته است، دنیاداران آخرت‌گرا نام نهاده شده‌اند. این نام‌ها برای سهولت اشاره به آن‌هاست. امکان دارد محققان محترم، نام‌های برازنده‌تری را انتخاب کنند.

۳-۳-۱. بررسی نگرش در آیات قرآنی

قرآن، دارندگان نگرش دنیاداران آخرت طلب را چنین توصیف می‌کند:
و بعضی می‌گویند: «پروردگارا! به ما در دنیا حسنه عطا کن! و در آخرت نیز حسنه مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!» (البقره/۲۰۱)

گروهی خداجو که از رب‌العالمین، هم دنیا را طلب می‌کنند و هم آخرت را. اما آیا نوع طلب آنان با گروه اول تفاوت دارد؟ از ظاهر آیاتی که دربارهٔ این دو گروه گفته شده، تفاوتی آشکار نمی‌شود؛ اما با ضمیمه کردن آیات دیگر، تفاوت بنیادین این دو نگرش و تأثیر آن بر ارزش‌های آنان و نهایتاً بر «رفتار آنان در تمدن‌سازی» آشکار می‌شود. تفاوت‌هایی که دو جهان متمایز تمدنی را رقم می‌زند.

امام علی (ع) دربارهٔ تفاوت دو نگرش دنیاطلبی و دنیاداری می‌فرماید: «هرکس به دنیا به‌عنوان وسیله بنگرد، بصیرتش بیشتر می‌شود و هرکس به‌عنوان هدف بنگرد، دنیا چشم او را کور خواهد کرد. (شریف‌رضی، ۱۴۰۴، خطبه ۸۲ و محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۹۹، ح ۵۷۹۶)

به عبارتی، گروه سوم، نگاهی استقلالی به دنیا ندارند. متوجه دنیا هستند؛ اما دنیا را پلی

برای آخرت تصور می‌کنند. دنیایی را می‌خواهند که با آن به آخرت برسند. دنیا و مظاهرش، آنان را نمی‌فریبند. مشغولیت اصلی آنان دنیا نیست؛ زیرا مشغول شدن به دنیا، آن‌ها را از هدف اصلی دور می‌کند و سیروسفر آنان را به عقب می‌اندازد. مسافری را تصور کنید که قرار است به مقصدی رهسپار شود و لازم است از بازار، توشه راه فراهم سازد. زمان حرکت به مقصد در اختیار او نیست. هر آن امکان دارد سفر او آغاز شود و اگر سفر آغاز شد، دیگر وقتی برای تهیه توشه ندارد. چنین شخصی نگاهش به بازار، نگاهی آلی است، نه استقلالی؛ چراکه از بازار، فقط باید توشه فراهم سازد تا در مقصد راحت‌تر باشد. در بازار، اوقاتش را به تماشا نمی‌گذراند؛ بلکه نگاهش، نگاه خریدار است. اگر نمایشی در گوشه‌ای ببیند، به تماشا نمی‌نشیند. او عجله دارد. سرعت دارد و از دیگران سبقت می‌گیرد تا بهترین‌ها را تهیه کند؛ البته نه به هر قیمتی. بازار، همین دنیاست و مقصد، آخرت است. این همان تعبیر وسیله‌بودن دنیا برای آخرت است. رهروی این مسیر به هر آنچه در اطرافش است، با نگاه کسی نظر می‌کند که آیا از آن می‌تواند برای زندگی در مقصد زادوتوشه‌ای بسازد یا خیر؟

قرآن، توشه موردنیاز و روش سیروسفر را به رهروی این راه نشان داده است. وحی، چراغی فرا روی عقل و علم و تجربه بشری است تا در این منزلگه، بهترین‌ها را برای زندگی ابدی فراهم سازد. در گذشته گفته شد که انسان، اگرچه محدث است، اما ابدی است. پس آنچه فراهم می‌آورد، برای زندگی ابدی است. قرآن از او نمی‌خواهد به دنیا پشت کند؛ چراکه رهبانیت در این امت، جهادکردن است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۱۱۴، ح ۱)؛ یعنی اشتغال به رهاساختن خود و دیگران از قیودات و زنجیرهای تعلقاتی که انسان را به زمین وصل می‌کند و نمی‌گذارد این شاه‌باز پرواز کند و اوج بگیرد. چه شکرهاست در این شهر که قانع شده‌اند/شاهبازان طریقت، به مقام مگسی!

(حافظ شیرازی، بی‌تا، غزلیات، شماره ۴۵۵)

برای اینکه انسان بداند رمز آلی ماندن دنیا و آلی شدن دنیا برای انسان چیست، توجه به برخی از آیات، کارساز است:

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کسادشدنش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند جمعیت نافرمان‌بردار را هدایت نمی‌کند!» (التوبة/۲۴)

بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آن‌ها را همچون خدا دوست می‌دارند؛ اما آن‌ها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهایشان) شدیدتر است و آن‌ها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند) هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست و خدا دارای مجازاتی شدید است. (نه معبودهای خیالی که از آن‌ها می‌هراسند.) (البقرة/۱۶۵)

"مدیریت دوست‌داشتن‌ها" کلید و رمز آلی کردن نگرش به دنیاست. انسان در عین اینکه دوستدار مخلوقات الهی است، همسر، فرزندان، عشیره، اموالی که خداوند به او داده است و کسب و کارش و... اما اشدّ حب او و عشقش به خداوند، بیشتر و بر دیگر دوست‌داشتنی‌ها غلبه دارد. این کلید یکی از قفل‌های دروازه ورود به تمدن توحیدی است. کلید دوم در آیه ای دیگر بیان شده است:

و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش که خدا مفسدان را دوست ندارد! (القصص/۷۷)

آری، در کنار تلاش‌های انسان در دنیا، نعمت‌های بی‌شماری نصیب او می‌گردد. نعمت‌هایی بی‌حد و حصر؛ اما او نباید بهره و نصیب خود را از این نعمت‌ها فراموش کند؛ یعنی نباید «بیشتر یا کمتر» از آنچه لازم است، مصرف کند؛ بلکه باید از آن‌ها برای ساخت جهان دیگرش استفاده کند. هر نعمتی در این دنیا می‌تواند به هزاران هزار نعمت و رحمت فزون‌تر در جهان دیگر تبدیل شود؛ پس باید از این فرصت استفاده کند. (وَأَبْتَعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ) بدین شکل است که نگرش دنیادار آخرت‌طلب، ارزش‌ها و رفتارهای

خود را تولید می‌کند.

۲-۳-۳. نماهایی (شماهایی) از تمدن برخاسته از این نگرش

با عنایت به محدودیت نوشتار، امکان ترسیم همه‌جانبه تمدن برخاسته از نگرش دنیادار آخرت‌طلب وجود ندارد؛ از این رو فقط سه نما از این تمدن ترسیم می‌گردد:

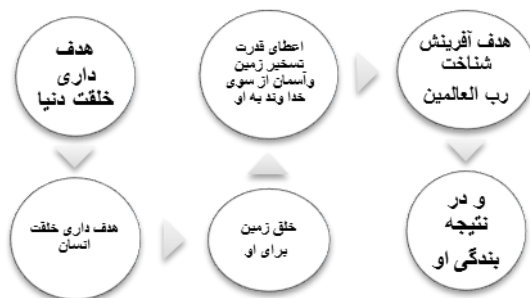
۱-۲-۳-۳ بهره‌مند از آموزه‌های وحیانی و عقل

گفته شد، رهروی این راه، گوشه‌گیر نیست. وحی و عقل، وظیفه‌اش را تعیین کرده‌اند. درست در مقابل نگرش پیشین که فقط به عقل منسلخ از وحی پایبند بود و علم خود را برای رسیدن به سرمنزول مقصود، کافی تلقی می‌کرد. همچنان که قارون، به‌عنوان یکی از نمادهای آن تفکر، همین ادعا را مطرح کرد. (قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي... القصص/۷۸)

۲-۲-۳-۳ تلاش برای شناخت و تسخیر جهان

صاحب این نوع نگرش، نمی‌تواند غافل از دنیای اطرافش باشد. موظف شده دامنه اطلاعاتش را افزایش دهد. حقایق عالم را دریابد و درباره خلقت بداند. آن را مسخر سازد و به خلق خدا خدمت کند؛ چراکه برای همین به این عرصه پا گذارده است. او از طریق وحی می‌آموزد:

- دنیا، بیهوده خلق نشده است. (آل عمران/۱۹۱)
 - خود او نیز بیهوده خلق نشده است. (المؤمنون/۱۱۵)
 - زمین برای او خلق شده است. (البقرة/۲۹)
 - أ- زمین و آسمان مسخر او گردیده؛ یعنی خالقش اجازه و قدرت لازم برای هرگونه تصرفی در زمین و آسمان بی‌انتهایش را به او بخشیده است. (لقمان/۲۰)
 - ب- او را برای عبادت و شناخت خودش آفریده است. (الذاریات/۵۶)
- نتیجه اینکه او باید از طریق شناخت و تسخیر زمین و آسمان، به عبادت و عرفان برسد.



نمودار ۲. هدف خلقت انسان

دنیاداران آخرت طلب، نهایت تلاششان را می کنند که پیچیدگی های خلقت را کشف کرده تا خالقشان را بیشتر بشناسند (۳). هر روز مرزهای دانش را جلو می برند؛ چراکه می دانند خالقشان خواسته تا دنیا را مسخر خود گردانند و البته از برهم زدن نظام خلقت اجتناب می کنند. (الرحمن/۷-۸) (۴)

علم و صنعت و تکنولوژی در جهان اینان، با انگیزه هایی مضاعف رو به جلو می رود؛ پس هم، سخن از تسخیر و به سلطه درآوردن آسمانها و زمین است و هم، سفر به دوردست ها. خواه به مکان هایی که میلیاردها سال نوری با زمین فاصله دارند، خواه کاوش در زمین و ما فیها به قصد به سلطه درآوردن و بهره برداری از آن. توجه اکید به این مطلب ضروری است که برای چنین سلطه ای، چه میزان از کوشش و تلاش و دانش نظری و فنی نیاز است؟ چقدر تلاش نیاز است برای رسیدن به متتھالیه کهکشانیها و رسیدن به نقطه بهره برداری کامل از زمین و ما فیها برای شناخت خالق و خدمت به خلق او و تأمین منافع ماندگار برای مردم:

خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه ای به اندازه آن ها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود، کفی حمل کرد و از آنچه (در کوره ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند، نیز کفهایی مانند آن به وجود می آید. خداوند، حق و باطل را چنین مثل می زند! اما کفها به بیرون پرتاب می شوند؛ ولی آنچه به مردم سود می رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می ماند؛ خداوند این چنین مثال می زند! (الرعد/۱۷)

۳-۲-۳. خدمت به خلق خدا

در مقابل «حاکمیت رقابت حذفی» در نگرش قبل، رفتار خدمت به خلق در این نگرش نمود می‌یابد. گفته شد نگاه به دنیا، نگاهی آلی است. دنیا برای ساخت آخرت است و دنیادار آخرت طلب باید در زندگی دنیوی سودمند باشد.

در قرآن از زبان حضرت عیسی (ع) می‌خوانیم: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» و مرا هرجا که هستم، پربرکت قرار ده. امام صادق (ع) فرمودند: مقصود از جَعَلَنِي مُبَارَكًا یعنی جَعَلَنِي مُبَارَكًا نَفْعًا است. یعنی خدایا! مرا بسیار سودمند و نفع‌رساننده (به مردم) قرار بده! یکی از حکمای تمدن، شاخص دوم دولت اسلامی را مسئله خدمت به خلق دانسته‌اند و اضافه کرده‌اند: روحیه خدمت که این گفتمان اصلی دولت اسلامی، همین خدمت است. اصلاً فلسفه وجود ما، جز این نیست. ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم. هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند." (۵) پس خدمت به خلق، از شاخصه‌های جالب توجه در نگرش مذکور است و در آن تمدن، نمادی عیان و آشکار است. تمدنی که شهروندان آن، در عین برخورداری از نعمت‌های بیکران الهی، غافل از هدف آفرینش نیستند. به یکدیگر خدمت می‌کنند. آنچه برای خود می‌خواهند، برای دیگران نیز می‌خواهند حتی بعضاً بیشتر. (الإنسان/۸) دنیا را دارند؛ اما مفتون و فریفته ظاهر آن نیستند. از تسخیر زمین و آسمان به دنبال تأمین منافع مردم هستند؛ چون می‌دانند چنین اعمالی برای آنان ماندگار است. (الرعد/۱۷) هر قدر در این دنیا برای رضایت خداوند تلاش کنند، منزلت ابدی شایسته‌تری می‌سازند. ثروت به دست می‌آورند؛ اما در راه خدا هزینه می‌کنند؛ چرا که می‌دانند چیزی از دست نمی‌دهند؛ بلکه افزون‌ترش را نه تنها در همین دنیا بلکه در آخرت بدست می‌آورند. (البقرة/۲۶۵) در این تمدن، رفاه هست اما برای همه شهروندان شهر خدا! نه اقلیتی حاکم و صاحبان زرزور.

در نگرش سوم، نظام‌های تمدنی، برای خدمت شکل گرفته‌اند. همه، شیفته خدمت‌اند، نه نشستگان قدرت! مسئولان آن جهان تمدنی، انتظار ندارند در پس خدماتشان، اجری

درخور جایگاهشان بگیرند؛ از این رو کسی که به دنبال منافع صرفاً شخصی برای خود است، نباید در نظام‌های این تمدن، جایی داشته باشد و صندلی شخص دیگری را اشغال کند. حال سخنان ذوالقرنین که کارگزاری مومن بود، معنا پیدا می‌کند. او در مقابل پیشنهاد هزینه در برابر خدمات خود به‌عنوان رهبر دولت برگزیده الهی می‌گوید:

(آن گروه به او) گفتند: «ای ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج در این سرزمین فساد می‌کنند. آیا ممکن است ما دستمزدی برای تو قرار دهیم که میان ما و آن‌ها سدی ایجاد کنی؟!» (ذوالقرنین) گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید)! مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و آن‌ها سد محکمی قرار دهم!» (الک‌هف/۹۵-۹۴)

امید است نماهای بیشتری از دنیای تمدنی موردانتظار از این نگرش به استناد منابع اسلامی عرضه شود. تا آن روز! هرچند بازنمایی دولت نبوی و علوی، چهره‌ای از آن تمدن را نشان می‌دهد، دولت‌هایی که علی‌رغم نبودن و چالش‌های بسیار داخلی و خارجی، موفق شدند مینیاتوری از تمدن توحیدی را به نمایش بگذارند. همین علی (ع) است که در طول اندک زمانی، در خلال مبارزه با دنیاطلبان آخرت‌گریز، چنین گزارش می‌دهد:

همه مردم کوفه از رفاه برخوردار گردیدند؛ چون پایین‌ترین آن‌ها (یعنی فقیرترین افراد جامعه) نان گندم می‌خورد و سرپناه مناسب دارد و از آب سالم فرات می‌نوشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۳۲۷).

نتیجه‌گیری

مسئله پژوهش حاضر، بررسی تأثیر نگرش‌های مختلف به دنیا در ایجاد تمدن از منظر قرآن کریم بود. در این راستا، سه نگرش مستند به آیات قرآنی استخراج گردید که عبارت بودند از: نگرش دنیاگریز آخرت‌طلب، دنیاطلب آخرت‌گریز و دنیادار آخرت‌گرا. گفته شد نگرش دنیاگریز، توان ایجاد تمدن را ندارد. تمدنی که لازم‌اش توجه به

دنیاست. البته مقصود، تمدنی پیشروست؛ والا قاعداً صاحبان این نوع از نگرش، سطحی از یک تمدن ابتدایی را باید پذیرا باشند والا ناچارند در غارها یا لابه‌لای درختان زندگی کنند، بدون استفاده از بهداشت و لوله‌کشی و... تصورش کمی دشوار است!

اما دو نگرش دیگر، می‌توانند تمدنی درخور ایجاد کنند. هر دو به دنیا نظر دارند. یکی به‌طور استقلالی و دیگری آلی. حد نهایی که صاحبان این دو نگرش در ایجاد تمدن طی می‌کنند، ختم به تمدنی ابلسی یا توحیدی می‌شود و البته در میانه این دو، طیفی از تمدن‌ها را می‌توان یافت که حد افراط و تفریط این دو نگرش را تشکیل می‌دهند. تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان این دو تمدن وجود دارد که پرداختن تفصیلی به آن‌ها مجال دیگری را می‌طلبد که از اساسی‌ترین بحث‌های نظری پیرامون تمدن‌هاست.

هرچند در طی مباحث گذشته، به جلوه‌هایی از دو تمدن اشاره شد؛ اما قطعاً نه برای جداسازی آن‌ها از یکدیگر کافی است و نه برای شناساندن تمام عیار آن دو تمدن، خصوصاً تمدن آفریده‌شده از نگرش دنیادار آخرت‌طلب؛ اما همین اندازه نیز حاکی از تقابل و تعارض این دو تمدن، حداقل در بخشی از جلوه‌های تمدنی خواهد بود. با توجه به تعریفی که از تمدن در ابتدای بحث ارائه گردید، در مرحله اجرا و ساخت تمدن، نگرش‌های یادشده، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، امنیتی و در حوزه‌های نیروی انسانی، قوانین و مقررات و ساختارها تأثیر خود را نشان می‌دهند، از این رو اگر در پی برانداختن تمدنی توحیدی، که در ادبیات امروز تمدن نوین اسلامی خوانده می‌شود، هستیم بالضروره باید در گام‌های بعدی در چارچوب یاد شده، با تکیه بر قرآن و آموزه‌های معصومان(ع) و حکمای اسلام مسیر را روشن‌تر نمود.

یادداشت‌ها

۱. به گزارش خبرنگار اجتماعی باشگاه خبرنگاران پویا، آمار «مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌های آمریکا (CDS)» که در سال ۲۰۱۲ در آمریکا منتشر شد، نشان می‌داد که ۶۹۹ هزار و ۲۰۲ مورد سقط جنین در طول سال ۲۰۱۱، انجام شده است. این تعداد در سال ۲۰۱۶ به عدد ۸۷۹ هزار نفر افزایش پیدا کرده است. بر اساس آخرین آمار که این سازمان اعلام کرده، در سال ۲۰۱۷، تعداد ۸۹۲ هزار سقط جنین به ثبت رسیده است. این آمارها در حدود فاصله ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۳ به بیش از ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سال رسیده بود "CDS"! در گزارش خود از رشد سقط جنین در زنان جوان آمریکایی خبر می‌دهد. ۳۱.۱ درصد از آمارهای سقط جنین مربوط به زنان ۲۰ تا ۲۴ سال است. همچنین دختران ۱۵ ساله ۰.۳ درصد، ۱۵ تا ۲۰ ساله ۹.۸ درصد، ۲۵ تا ۲۹ ساله ۲۷.۶ درصد، ۳۰ تا ۳۴ ساله ۱۷.۷ درصد و ۳۴ سال به بالا ۱۳ درصد از آمار کل سقط جنین در آمریکا را شامل می‌شوند.

"آمار وحشتناک "سقط جنین" در آمریکا/ مادران از زندگی تباہ شده خود می‌گویند" ۸ شهریور

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/08/2085003>، ۱۳۹۸

۲. "گزارش جدید "آکسفام": ۸۲ درصد ثروت جهان دست یک درصد پول‌دار دنیا" ۱۳۹۶/۱۱/۳

<https://www.eghtesadonline.com>

۳. فرازی از دعای عرفه: «إِلَهِي عِلْمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَ تَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَعْرِفَ إِلَهِي فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ.» خدای من! با توجه به گونه‌های مختلف آثار و جابه‌جایی آن، دانسته‌ام که منظور تو از من، این است که من تو را در هر چیز بشناسم تا اینکه به تو در هیچ چیز جاهل نباشم (مفاتیح الجنان، دعای عرفه).

۴. و آسمان را برافراشت و میزان و قانون را (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید). به عبارتی خداوند آسمان‌ها و زمین را بر اساس قوانینی منتظم کرده است و انسان نباید در راه تسخیر و مسخرسازی، نظام زیستی را بر هم بریزد. این قاعده‌ای بسیار مهم در تمدن‌سازی توحیدی است که او را از تصرفات صدمه‌زننده به نظم طبیعت، باز می‌دارد و یکی از تفاوت‌های دو تمدن توحیدی و ابلیسی شمرده می‌شود.

۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت (۱۳۹۲/۰۶/۰۶).

کتابنامه

قرآن کریم

آودیچ، ابراهیم (۱۳۸۰)، *بررسی نظریه‌های نجات و مبانی مهدویت*، تهران: دبیرخانه دائمی اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی.

بدن، لویی (۱۳۵۴)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه هوشنگ نهاوندی، تهران: انتشارات مروارید، چ ۲.

البستانی، پطرس (بی تا)، *دائرة المعارف*، بیروت، لبنان: دارالمعرفه.

حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین (بی تا)، دیوان حافظ، محمد قزوینی، تهران: چاپ سینا. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶)، *چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

سبحانی، جعفر (۱۳۸۷)، *قرآن و معارف عقلی*، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان. سقای بی ریا، محمد ناصر (۱۳۹۸)، *مقایسه سنن اجماعی تمدن‌ساز انبیاء و طاغوتیان از دیدگاه قرآن*، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۲، شماره ۲ - شماره پیاپی ۴، صص ۲۲۳-۲۴۷.

سیوطی جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المثور*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۴)، *نهج البلاغه*، صالح، صبحی، قم: هجرت.

فرید وجدی، محمد (بی تا)، *دائرة المعارف القرن العشرين*، بیروت لبنان: دارالفکر.

فیض کاشانی (بی تا)، *محجة البيضاء*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.

قمی، شیخ عباس (۱۳۸۷)، *مفاتیح الجنان*، قم: انتشارات اسوه.

لک زایی، شریف (۱۳۹۸)، *علل ضعف تمدنی و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر*، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۲، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳، صص ۳۱۱-۳۲۸.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲)، *عین الحیاء*، تحقیق مهدی رجائی، قم: انوار الهدی.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت.

محمّدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹) میزان/الحکمه، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر.

مددپور، محمد (بی تا)، انقلاب اسلامی و نظریه پایان تاریخ، قم: بضعه الرسول.

مطهری، مرتضی (بی تا)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش). الأمل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، طهران: دارالکتب الاسلامیه.

مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی (۱۳۸۹ش)، فرهنگ فقه: مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۶ش)، فرهنگ قرآن: کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

Schnitzer (۱۹۹۹) M: *Comparative Economic Systems*؛ Thomson Learning Edition: Western College Publishing

بی نام، ۱ شهریور ۱۳۹۸، «آمار وحشتناک "سقوط جنین" در آمریکا/ مادران از زندگی تباہ شده خود می گویند».

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/08/2085003>

بی نام، ۱۱/۳ / ۱۳۹۶ «گزارش جدید «آکسفام»: ۸۲ درصد ثروت جهان دست یک درصد

پول دار دنیا»، <https://www.eghtesadonline.com>

بی نام، ۱۶/۷ / ۱۳۹۳ «آمارهای تکان دهنده سقوط جنین در جهان»،

<https://www.mashreghnews.ir/news>

جعفریان، رسول، ۲۹/۵/۱۳۹۹ «تعطیل کردن دنیا: نگاهی به رابطه زهد اسلامی با کسب و کار اقتصادی (مروری بر کتاب الحث علی الصناعه و التجاره و العمل)،

<https://historylib.com/articles/>.

